

## بازپژوهی وجوب ازدواج در صورت ارتکاب معصیت یا ترس از ارتکاب معصیت

مصطفی دهقان<sup>۱</sup>

چکیده

هدف: مشهور میان فقها آن است که ازدواج فی نفسه مستحب است، اما به عناوین ثانویه می توان آن را به احکام پنج گانه تکلیفی تقسیم نمود. یکی از موارد وجوب نکاح به عنوان ثانوی، ارتکاب معصیت یا ترس از ارتکاب معصیت به خاطر نداشتن همسر است که فقهای متأخر و معاصر با آن موافق هستند و از اطلاق آن چنین استفاده می گردد که وقوع یا ترس از وقوع در گناه برای وجوب نکاح کفایت می کند. با توجه به اینکه نکاح دائم وظائفی را به دوش مرد و زن می آورد و ازدواج موفق شرایط مختلفی را از قبیل مسئولیت پذیری، تمکن مالی و... می طلبد، هدف پژوهش حاضر بررسی این مسئله است که آیا صرفاً ارتکاب یا ترس از ارتکاب معصیت برای وجوب نکاح کافی است یا اینکه شرایط دیگری نیز باید مورد توجه قرار گیرند.

روش: این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی با رویکرد انتقادی و با مراجعه به منابع کتابخانه ای و الکترونیکی انجام شد. در این روش، دیدگاه فقهای متأخر و معاصر درباره وجوب نکاح در صورت ترس از گناه بررسی و دلایل و مستندات آنان تحلیل و نقد شد.

یافته ها: یافته های پژوهش نشان می دهد دلایل مطرح شده برای وجوب نکاح در صورت خوف از ارتکاب معصیت قابل مناقشه است؛ زیرا از منظر حجیت و اعتبار عقل که از منابع احکام فقهی است، صرف ترس از گناه و نیز با توجه به تبعات و مفاسد فردی و اجتماعی ازدواجی که صرفاً برای اطفای شهوت و بدون در نظر گرفتن شرایط لازم انجام گیرد، نمی تواند وجوب نکاح را اثبات کند.

نتیجه گیری: در پرتو حجیت و اعتبار عقل به عنوان یکی از منابع احکام فقهی و با توجه به مجموع آیات قرآن، پژوهش حاضر نظریه عدم وجوب ازدواج صرفاً به دلیل ترس از گناه را موجه می داند.

کلیدواژه ها: وجوب ازدواج، فقه خانواده، فقه فردی، فقه اجتماعی.

## Reexamining of the obligation of marriage in case of committing sin or fear of committing sin

Mostafa Dehghan<sup>1</sup>

**Objective:** The well-known stance among jurists is that marriage is inherently recommended (mustahab), but can be subject to the fivefold injunctions based on secondary titles. One case of its obligation is the commission of sin, or the fear of committing sin, due to the absence of a spouse, a position endorsed by later and contemporary jurists. From the general application of this principle, it is understood that the occurrence or fear of sin is sufficient to obligate marriage. Given that permanent marriage imposes duties on both man and woman, and a successful marriage requires various conditions such as responsibility and financial ability, this research investigates whether the mere commission or fear of committing sin is sufficient for the obligation of marriage, or whether other conditions must also be considered.

**Methods:** This inquiry is organized using a descriptive-analytical-critical method and by referring to library and electronic sources.

**Findings:** The present essay deems the arguments presented for the aforementioned theory—such as the general application of Quranic verses and the principle of the obligatory means (al-muqaddimah al-wajibah)—to be debatable. In light of the authority and validity of reason as a source of jurisprudential rulings, considering the individual and social consequences and corruptions of a marriage undertaken solely to quench lust without regard for other conditions, and also by considering the totality of Quranic verses, the research finds the theory of non-obligation of marriage to be justified.

**Conclusion:** The conclusion of the research justifies the theory that marriage is not obligatory in the mentioned circumstances.

**Keywords:** Marriage, Family Jurisprudence, Individual Jurisprudence, Social Jurisprudence.

---

<sup>1</sup> Assistant Professor of the Department of Quranic Sciences and Jurisprudence, Shiraz University.

Email: [mostafa.dehghan@saadi.shirazu.ac.ir](mailto:mostafa.dehghan@saadi.shirazu.ac.ir)

ORCID: 0000-0002-8629-1827

## ۱. مقدمه

تشکیل خانواده و ازدواج از مباحث مهم زندگی فردی و اجتماعی است که تاثیر بسزایی در تنظیم روابط بین افراد و نسل آینده دارد و زوایای آن، از ابعاد مختلف جامعه شناسی، روان شناسی، حقوق، فقه، فرهنگ و... قابل بررسی و تحلیل می باشند. با توجه به اینکه علم فقه رسالت تعیین احکام شرعی افعال مکلف را به دوش می کشد (عاملی، بی تا، ۱/۹۴) بررسی حکم فقهی ازدواج یکی از مسائل این دانش می باشد که در کتاب نکاح به آن پرداخته می شود.

اهمیت مساله فقه خانواده به حدی است که علی رغم اینکه روش قرآن کریم در احکام فقهی بیان مختصر و اشاره به خطوط کلی مباحث فقهی است و صرفا بخش اندکی از احکام فقهی در قرآن کریم انعکاس یافته لیکن مساله ازدواج و طلاق و حقوق زوجین و فرزندان با جزئیات قابل توجهی در قرآن مطرح شده اند. مساله خانواده و ازدواج در مباحث فقهی هر چند به طور رسمی در ابواب نکاح و طلاق جای گرفته اند اما تقریبا در همه مباحث فقهی مورد توجه و موضوع برخی از احکام قرار دارند؛ از مساله تفاوت ثواب نماز فرد متاهل و مجرد در باب صلات و مساله روابط زنا شویی در باب صوم و بحث زکات فطره افراد واجب النفعه در باب زکات گرفته تا مباحث ارث.

در بین مباحث مطرح شده در مورد نکاح، حکم فقهی تشکیل خانواده و ازدواج از مباحثی است که آثار کهن و روزآمد فقهی به بررسی آن پرداخته اند و یکی از نظریاتی که بعد از علامه حلی ره به نظریه ای مشهور و مقبول میان فقها تبدیل شده، وجوب ازدواج در صورت وقوع در گناه یا ترس از وقوع در گناه بخاطر نداشتن همسر است. جستار حاضر در صدد است ضمن بازخوانی و نقد ادله و استنادات فقهی این فتوا که در پارادایم فقه فردی سابقه ای دیرینه دارد، آن را از زوایای نو واکاوی نماید.

## ۱-۱. سیر تاریخی مساله در آثار فقهی

معمولا در آثار فقهی، استحباب به عنوان حکم فقهی ازدواج بیان شده است (صدوق، ۱۴۱۵ق، ۳۰۱؛ مفید، ۱۴۱۰ق، ۴۹۶؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ۴/۱۵۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ۲/۲۱۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ۲/۴)؛ لیکن استحباب تنها حکم تکلیفی نیست که برای ازدواج شمرده شده و احکام فقهی دیگری از قبیل کراهت و اباحه نیز برای ازدواج ذکر شده اند (ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۲۸۹). البته این تفاوت به معنای تعارض و اختلاف فقها در استنباط حکم ازدواج نیست زیرا تفاوت احکام شرعی که برای ازدواج ذکر شده است به تفاوت احکام اولیه و ثانویه یک موضوع بر می گردد. به تعبیر دیگر، هنگامی که سخن از استحباب ازدواج مطرح می شود، نکاح به حسب طبع اولیه و بدون در نظر گرفتن عناوین ثانویه و عارضی مد نظر است اما به حسب عناوین ثانویه عارضی، ازدواج به سایر احکام تکلیفی نیز تقسیم می گردد (عاملی، ۱۴۱۳ق، ۷/۱۴؛ محقق سبزواری، ۱۳۸۱ش، ۲/۷۹). اولین فقیهی که ازدواج را به حسب حکم شرعی تقسیم و حکمی غیر از استحباب برای آن بیان نموده، مرحوم ابن حمزه در وسیله می باشد که ازدواج را به مستحب و مکروه و مباح تقسیم نموده است (ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۲۸۹)؛ مبنای تقسیم ایشان اینست که اگر فردی میل و قدرت بر ازدواج

داشته باشد نکاح مستحب و اگر هیچ یک را نداشته باشد ازدواج مکروه و در صورتی که یکی از آن دو را داشته باشد ازدواج مباح است.

طبق بررسی نگارنده، مساله وجوب ازدواج برای نخستین بار، توسط علامه حلی در فقه امامیه مطرح شده و ایشان در کتب مختلف فقهی خود به این مساله پرداخته‌اند و در برخی آثار، در صورت خوف وقوع در محذور (۱۴۲۰ق، ۳/۴۱۶) و در برخی دیگر، در صورت خوف وقوع در زنا، نکاح را در زمره واجبات شمرده‌اند (۱۴۱۰ق، ۲/۴؛ ۱۴۱۳ق، ۳/۵). فتوای علامه حلی مبنی بر وجوب نکاح در صورت ترس انجام معصیت، علی‌رغم اینکه توسط برخی فقها به چالش کشیده شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۹/۴۰۲) لیکن نه تنها در بین اغلب فقها (فاضل مقداد، ۱۳۷۳ش، ۲/۱۳۶؛ عاملی، ۱۴۱۰ق، ۵/۸۵؛ طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۵/۴۸۳) بلکه در میان اخباریین نیز مقبول واقع شده است (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ۷/۷۵). برای وجوب ازدواج صورت دیگری نیز در بعضی از آثار فقهی بیان شده است که وجوب ازدواج بواسطه نذر و عهد و قسم و امثال این عناوین است (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۵/۴۸۳) که به موضوع پژوهش حاضر ارتباطی ندارد.

در مورد وجوب ازدواج در صورت ارتکاب یا ترس از ارتکاب معصیت، فتوای فقهای معاصر را با توجه به شرایط و قیودی که برای آن بیان نموده‌اند، می‌توان در چند نظریه دسته‌بندی نمود:

نظریه اول: وجوب ازدواج در صورتی که بخاطر نداشتن هم‌سر، ترس از انجام فعل حرام داشته باشد و منظور از فعل حرام صرفاً گناهان کبیره‌ای مانند زنا نیست بلکه شامل مواردی مانند چشم‌چرانی نیز می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ۱/۱۱).

نظریه دوم: وجوب نکاح در صورت وقوع در حرام (بروجردی، ۱۳۹۲ش، ۴۹۶؛ خمینی، ۱۳۹۲ش، ۴۳۶؛ خوئی، ۱۴۲۲ق، ۴۳۶؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰ش، ۵۳۰؛ خامنه‌ای، تاریخ مشاهده ۱۴۰۳/۴/۳۰؛ حسینی سیستانی، ۱۳۹۳ش، ص ۴۶۶). البته منظور از این فتوا این نیست که بعد از وقوع در حرام ازدواج واجب می‌شود. وقوع در حرام در این فتوا به معنای اطمینان به وقوع در حرام است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۶ق، ص ۴۳۷). طبق این فتوا در صورتیکه فردی می‌داند یا اطمینان دارد بخاطر نداشتن همسر آلوده به معصیت می‌شود واجب است ازدواج نماید.

نظریه سوم: وجوب ازدواج در صورتی که وقوع در حرام بدون اختیار باشد یعنی فرد می‌داند که اگر ازدواج نکند قدرت کنترل خود را ندارد و مرتکب کار حرام می‌گردد (شبیری زنجانی، ۱۳۸۸ش، ۵۲۷). آیت الله شبیری زنجانی علاوه بر ذکر قید «بدون اختیار» در فتوای خویش، در توضیح فتوای صاحب عروه، متذکر شده‌اند که هر چند مرحوم یزدی قید بدون اختیار را ذکر نموده‌اند اما فتوای ایشان ناظر به همین فرض است و الا در صورتی که فرد می‌داند حتی در صورت عدم ازدواج، می‌تواند خود را کنترل نماید اما با اختیار مرتکب حرام می‌شود، ازدواج واجب نیست (۱۴۱۹ق، ۱/۳۹)؛ به هر حال تفسیری که ایشان از فتوای صاحب عروه ارائه نموده‌اند در مورد سایر فقها نیز قابل طرح است هر چند برخی فقها تصریح نموده‌اند: اگرچه در صورت وقوع در حرام ازدواج واجب است اما وجوب اختیار ترک حرام، به قوت خود باقی است (علوی گرگانی، ۱۳۸۷ش، ص ۴۰۱) که حاکی از آنست که وجوب ازدواج مرتبط با صورتی است که فرد قدرت بر ترک حرام دارد اما اختیاراً مرتکب معصیت می‌شود.

نظریه چهارم: وجوب ازدواج در صورتی که بخاطر نداشتن همسر در حرام بیفتد یا ترس از انجام فعل حرام داشته باشد (اراکي، ۱۴۱۴ق، ۹۳/۲).

در نتیجه، در میان فقهای معاصر مساله وجوب ازدواج به دو بحث ارتکاب معصیت و ترس از ارتکاب معصیت پیوند خورده است. تحقیق حاضر تلاش می‌نماید در چارچوب روش اجتهاد و استنباط صحیح احکام فقهی، ابتدا دلایل وجوب ازدواج را واکاوی نموده و سپس دلایل عدم وجوب آن را طرح و در نهایت و بعد از بررسی ادله اجتهادی، اصول عملیه‌ای که در این بحث قابل طرح هستند را بررسی نماید.

## ۲. ادله وجوب

۱- ۲. دلیل اول: قرآن: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا؛ و اگر می‌ترسید از اینکه (به هنگام ازدواج با دختران یتیم)، عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم پوشی کنید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمایید، دو یا سه یا چهار هم‌سر، و اگر می‌ترسید عدالت را (درباره هم‌سران متعدد) رعایت نکنید تنها یک هم‌سر بگیرید، و یا از زنانی که مالک آنها هستید استفاده کنید. این کار، بهتر از ظلم و ستم جلوگیری میکند. (نساء: ۳)

آیه سوم سوره نساء یکی از دلایلی است که برای اثبات وجوب نکاح در صورت خوف وقوع در معصیت ذکر شده است (حلی، ۱۳۸۷ش، ۳/۳). ارتباط این آیه با وجوب نکاح اینست که در این آیه کلمه فانکحوا به صورت صیغه امر بکار رفته است و صیغه امر دلالت بر وجوب می‌کند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ۷۰) و از طرفی به قرینه آیه ۲۵ همین سوره که تعبیر «ذلک لمن خشی العنت منکم» را بکار برده است می‌توان نتیجه گرفت که وجوب نکاح که از آیه استفاده می‌شود مطلق نیست بلکه مقید به خوف وقوع در معصیت می‌باشد (حلی، ۱۳۸۷ش، ۳/۳).

## ۱- ۲. بررسی استدلال

استدلال مطرح شده از چند جهت قابل مناقشه است:

اولاً: هر چند دلالت صیغه امر بر وجوب از قواعد مشهور دانش اصول فقه است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ۷۰) و تقریباً تمامی اندیشمندان اصولی بر آن توافق دارند اما ظهور صیغه امر در وجوب در صورتی قابل قبول است که هیچ قرینه‌ای بر خلاف آن در کلام نیامده باشد، در غیر اینصورت باید با توجه به قرینه، صیغه امر معنی شود و در خصوص این آیه، قرینه‌ای بر نفی وجوب قابل طرح است.

سباق آیه شریفه و آیات پیشین، حکایت از آن دارد که صیغه امر در این آیه، دلالتی بر وجوب ندارد. ابتدا لازم است معنای آیه با توجه به سباق آن، روشن شود تا بتوان قضاوت صحیحی نسبت به دلالت «فانکحوا» بر وجوب داشت. در مورد معنای آیه شریفه نظرات گوناگونی مطرح شده است که در تفسیر مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۳/۱۱) و المیزان (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ۴/۱۶۷) مورد اشاره و نقد قرار گرفته‌اند؛ با توجه به سباق آیات که مربوط به ایتام می‌باشند و استفاده از اموال ایتام در آیه قبل، مورد نهی قرار گرفته است و در ابتدای این آیه نیز مساله ترس از عدم رعایت عدالت بین ایتام مطرح شده است و همچنین با توجه به روایتی که این آیه را مرتبط با آیه ۱۲۷ همین سوره بیان نموده است (قمی، ۱۳۶۳ق، ۱/۱۳۰) چنین به نظر می‌رسد که آیه شریفه در مقام بیان جایگزین برای ازدواج با ایتام است و

می‌فرماید: که اگر بخاطر نهی از ظلم به ایتام و نهی از استفاده از اموال ایتام، از ازدواج با دختران یتیم می‌ترسید، با دختران غیر یتیم (بالغ) ازدواج کنید و می‌توانید تا چهار همسر برای خود انتخاب کنید و در صورتی که ترس از عدم رعایت عدالت در مورد تعدد همسر دارید به یک همسر اکتفا کنید. بنابراین امر در آیه نه به معنای وجوب بلکه به معنای جواز و پیه‌شهاد ازدواج با غیر یتیم است زیرا امر به ازدواج با غیر ایتام پس از ذکر ترس از عدم رعایت قسط در ایتام آمده است و حاکی از آنست که خوف از عدم قسط مرتبط با ایتام، در مورد ازدواج با افراد بالغ منتفی است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۹/۱۰) و در واقع آیه در مقام بیان یک جایگزین برای ازدواج با ایتام است. عدم دلالت آیه بر وجوب در آثار فقهی نیز مورد اشاره قرار گرفته است (فاضل مقداد، ۱۳۷۳ش، ۲/۱۴۰).

ثانیاً: خوف وقوع در گناه، که در آیه ۲۵ ذکر شده ظاهراً مربوط به حکم مذکور در همان آیه مبنی بر جواز ازدواج با کنیز است و از این آیه صرفاً جواز ازدواج با کنیز با وجود دو شرط استفاده می‌گردد که عبارتند از عجز از ازدواج با غیر کنیز و خوف وقوع در معصیت و در این حال ازدواج جایز و نه واجب می‌شود و لذا در ادامه فرموده است که اگر صبر کند و با کنیز ازدواج نکند بهتر است.

## ۲-۲. دلیل دوم: وجوب ازدواج از باب مقدمه واجب (ترک حرام)

رعایت حدود الهی در رابطه احکام زن و مرد بسیار مهم می‌باشد و این مساله مورد عنایت و توجه ویژه شارع قرار گرفته است. توجه و اهتمام به این مساله به گونه‌ای است که در آیات قرآن احکام سلبی و ایجابی متعددی در این زمینه از قبیل: نهی از نزدیک شدن به زنا، وجوب حفظ فرج، وجوب حفظ نگاه، لزوم مجازات زانی و زانیه و... مطرح شده‌اند. بنابراین با توجه به اینکه رعایت این حدود مورد اهتمام شارع است در صورتی که فردی از ارتکاب آنها خوف دارد و می‌ترسد که به خاطر غریزه جنسی مرتکب چنین گناهی بشود لازم است برای رعایت این حدود و احکام، ازدواج کند و خود را از خطر ارتکاب چنین گناهی نجات دهد و در حقیقت ازدواج وسیله‌ای برای جلوگیری از ارتکاب گناه می‌باشد. به نظر می‌رسد تعبیر برخی از فقها در مورد وجوب ازدواج در صورت خوف وقوع در معصیت، ناظر به چنین استدلالی است (کاظمی، بی تا، ۳/۲۱۰). همچنین آیت الله فاضل لنکرانی در مساله شماره ۲۵۶۵ رساله عملیه خود چنین آورده‌اند: کسی که به واسطه نداشتن زن به حرام می‌افتد، واجب است زن بگیرد؛ این وجوب به خاطر جلوگیری از حرام است یعنی اگر مطمئن شود که به حرام می‌افتد واجب است زن بگیرد (۱۴۲۶ق، ۴۳۷)؛ در حقیقت در این نگاه ازدواج به عنوان مقدمه‌ای برای حفظ نگاه، پاکدامنی و سایر تکالیف مورد نظر قرار می‌گیرد.

## ۲-۲-۱. بررسی استدلال

بحث مقدمه واجب از مباحث کهن و پردامنه علم اصول فقه است که مورد توجه بسیاری از اصولیان قرار گرفته و در خلال مباحث عمیقی که حول آن سامان یافته، وجوب مقدمه به عنوان یک واجب عقلی مورد پذیرش دانشیان اصول می‌باشد (کاظمی خراسانی، ۱۴۲۴ق، ۱/۲۶۲) اما در مورد وجوب شرعی مقدمه واجب، مبانی گوناگونی مطرح گشته است. برخی از اصولیون اساساً وجوب مقدمه را منحصر به وجوب عقلی می‌دانند و وجوب شرعی آن را انکار نموده‌اند (منتظری، ۱۴۱۵ق، ۲۰۳؛ مظفر، ۱۴۲۶ق، ۲۹۷) و در بین کسانی که وجوب شرعی آن را قبول دارند تفصیلات گوناگونی مطرح گشته است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ۱۱۴).

اثبات وجوب نکاح به عنوان مقدمه واجب فارغ از مباحث و تفصیلاتی که در مورد مقدمه واجب در علم اصول مطرح شده است با دو سوال مهم مواجه است:

سوال اول: آیا رعایت حدود الهی در مورد رابطه زن و مرد متوقف بر ازدواج است؟

این سوال در حقیقت، سوال از مقدمه بودن ازدواج برای رعایت حدود الهی است. در مباحث اصولی اصطلاح مقدمه، ضابطه‌ای خاص دارد که تطبیق آن بر محل بحث، مورد سوال می‌باشد. در معنای عرفی، هر کاری که برای تحقق کاری دیگر، انجام شود به عنوان مقدمه شناخته می‌شود و حتماً لازم نیست تحقق ذی‌المقدمه بدون مقدمه ممکن نباشد اما در دانش اصول فقه، مقدمه عبارت است از چیزی که تحقق ذی‌المقدمه بدون آن ممکن نیست (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ۸۹) و اگر عقلاً ارتباطی بین مقدمه و ذی‌المقدمه نباشد اما به طور متعارف مقدمه قبل از ذی‌المقدمه محقق می‌گردد به آن مقدمه عادی می‌گویند که اصلاً در علم اصول فقه موضوع بحث نیست (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ۹۱). بنابراین اگر ذی‌المقدمه عقلاً متوقف بر امری بود آن را مقدمه می‌نامند و به همین جهت، به آن مقدمه وجودیه نیز می‌گویند در مقابل مقدمه وجوبیه که وجوب ذی‌المقدمه بر آن متوقف است. بنابراین مقدمه واجب، مقدمه‌ای است که تحقق واجب بدون آن ممکن نباشد. با توجه به روشن شدن معنای مقدمه واجب، به سوال مطرح شده باز می‌گردیم و لازم است این مساله بررسی شود که آیا ازدواج کردن نسبت به رعایت حدود الهی مرتبط با زن و مرد مقدمه واجب محسوب می‌گردد؟ و به سخن دیگر، آیا رعایت احکام مطرح شده در مورد روابط زن و مرد، بدون ازدواج امکان ندارد؟ روشن است که رعایت حدود الهی متوقف بر ازدواج نیست؛ البته قطعاً ازدواج و تامین مشروع غرائز جنسی می‌تواند به کنترل نفس و خودداری از حرام کمک کند اما تقوا و خودداری از چنین گناهانی بدون ازدواج نیز ممکن است. لازمه عدم امکان رعایت تقوی بدون ازدواج، اینست که امر به تقوی و کنترل نگاه و پاکدامنی برای افراد مجرد، تکلیفی غیر مقدور باشد و در نتیجه، اوامر و آیات مرتبط با خودداری از گناهان جنسی که مورد اشاره قرار گرفت مختص افراد متاهل خواهند بود زیرا تکلیف فرد بدون هم‌سر، به تقوی و ترک گناه، تکلیفی خارج از حیطه قدرت مکلف است و چنین تکلیفی بر شارع روا نیست. واضح است که چنین نتایجی قابل التزام نیست و آیات و ادله‌ای که احکام مذکور را بیان نموده‌اند، چنین احکامی را مقید به متاهلین ننموده‌اند و هیچ فقیهی نیز چنین فتوایی نداده است. روشن است که انسان موجودی مختار است و تا زمانی که از او سلب اختیار نشده حتی با وجود تمایلات و فشارهای غریزی، می‌تواند رفتار خود را هر گونه‌ای که بخواهد تنظیم کند و از گناه اجتناب نماید و قرآن کریم در آیه ۲۵ سوره نساء، بعد از بیان حکم جواز ازدواج با کنیز برای کسانی که نمی‌توانند با زنان آزاد ازدواج کنند، می‌فرماید: جواز ازدواج با کنیز برای کسی است که می‌ترسد به گناه بیفتد و صبر برای شما بهتر است .... در این آیه، جواز ازدواج با کنیز برای کسی که توان ازدواج با زنان آزاد را ندارد و ترس از ارتکاب حرام دارد تجویز شده است و نه واجب و در ادامه فرموده اگر صبر کنید بهتر است. صبر در آیه شریفه به صبر و خودداری از ازدواج با کنیز تفسیر شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ۳/۲۵۱) و برخی از مفسرین آن را به معنای خودداری از ازدواج با کنیز و خودداری از زنا معنی نموده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۳/۵۵)؛ به هر حال با اینکه حکم به جواز ازدواج با کنیز، مربوط به مورد عدم توانایی ازدواج با زنان آزاد و ترس از وقوع در معصیت است بعد از آن، بر

صبر و خودداری از ازدواج با کنیز تاکید شده است که حاکی از اینست که انسان هر چند از نظر غریزه جنسی تحت فشار باشد می‌تواند خود را کنترل نماید.

همچنین در سوره نور خداوند متعال بعد از بیان احکام گوناگونی در مورد رابطه زن و مرد از قبیل لزوم مجازات زناکار، حفظ نگاه، حجاب و پوشاندن زینت و لزوم فراهم نمودن شرایط ازدواج برای افراد بی‌همسر، در آیه ۳۳ می‌فرماید: کسانی که راهی برای ازدواج نمی‌یابند باید عفت و پاکدامنی پیشه کنند. همانطور که از مراجعه به آیات مذکور قابل استفاده است ترک گناه و به تعبیر قرآن کریم استغفاف، حتی برای کسی که همسر ندارد مقدور است و لذا مورد امر قرار گرفته است.

بنابراین پاسخ سوال اول چنین است که رعایت تقوی و حدود الهی در مورد رابطه زن و مرد معمولاً متوقف بر ازدواج نیست تا عدم ازدواج باعث سلب اختیار باشد و فرد مجرد قدرت بر حفظ خود و رعایت تقوی نداشته باشد بلکه انسان حتی اگر بدون همسر باشد قدرت کنترل خود را دارد و علاوه بر آن می‌تواند با کارهایی از قبیل روزه گرفتن و... قدرت خود بر کنترل نفس را تقویت کند؛ لذا هر چند رعایت حدود الهی لازم و واجب است اما ازدواج، مقدمه آن نیست تا به عنوان مقدمه واجب، واجب باشد.

سوال دوم: آیا خوف وقوع در معصیت با ازدواج از بین می‌رود؟  
همانطور که اشاره شد برخی از فقها در مورد وجوب ازدواج، مسأله ترس از انجام حرام را مطرح نموده‌اند و سوالی که به دنبال پاسخ آن هستیم اینست که چه رابطه‌ای بین خوف وقوع در معصیت و ازدواج وجود دارد؟ آیا ازدواج خوف وقوع در معصیت را از بین می‌برد؟ آیا فردی که ازدواج نموده خوف وقوع در معاصی مرتبط با غریزه جنسی را ندارد؟  
هر چند تاثیر ازدواج در تسهیل کنترل نفس و شهوت قابل انکار نیست اما حقیقت اینست که نمی‌تواند اطمینان به ترک این قبیل معاصی را حاصل نماید و خوف وقوع در معصیت همانطور که قبل از ازدواج وجود دارد بعد از ازدواج نیز همراه انسان است. علاوه بر اینکه ترس، درجات گوناگونی دارد و معین نشده کدام درجه از خوف، در این حکم دخالت دارد.

نتیجه اینکه اساساً تعریف مقدمه واجب بر ازدواج منطبق نیست تا این مسأله یکی از مصادیق مقدمه واجب تلقی گردد. هر چند که حتی در صورت صدق مقدمه بر ازدواج نیز وجوب شرعی آن امر مسلمی نیست و برخی از دانشیان علم اصول فقه، معتقدند مقدمه واجب، وجوب شرعی ندارد و صرفاً لزوم عقلی دارد (مظفر، ۱۴۲۶ق، ۲۹۷) اما با توجه به اینکه وجوب ازدواج ارتباطی به بحث مقدمه واجب ندارد لزومی به ذکر آن مباحث نیست.

### ۳. دلایل عدم وجوب

۳-۱. دلیل اول: قرآن: ذَلِك لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (نساء: ۲۵).

ترجمه: این اجازه (ازدواج با کنیزان) برای آنها است که (از نظر غریزه جنسی) شديداً در زحمت باشند و اگر خودداری کنید (از ازدواج با آنان) برای شما بهتر است و خداوند آمرزنده و مهربان است (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی).

همانطور که گذشت در این آیه ازدواج با کنیز مقید به دو امر شده است که عبارتند از عجز از ازدواج با زن آزاد و ترس از وقوع در حرام؛ در نتیجه با وجود دو شرط مذکور ازدواج با کنیز حلال است اما در ادامه فرموده است: خودداری از ازدواج با کنیز بهتر است. آیه شریفه از دو جهت می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

اول: طبق بررسی نگارنده، هیچ کدام از فقها از این آیه وجوب ازدواج با کنیز را استنتاج ننموده‌اند؛ با اینکه آیه شریفه در صورت خوف وقوع در معصیت ازدواج با کنیز را مطرح نموده و از صیغه امر استفاده نموده است (فانکحوهن) اما استنباط فقها از آیه شریفه جواز ازدواج با کنیز است (مقدس اردبیلی، بی تا، ۵۱۹).

دوم: در خود آیه شریفه، بعد از بیان ازدواج با کنیز در صورت ترس از وقوع در حرام، فرموده است که خودداری از ازدواج با کنیز بهتر است. بدیهی است که در صورتی که ازدواج در فرض خوف وقوع در معصیت واجب باشد خودداری از ازدواج با کنیز به معنای ترک واجب است و معصیت می‌باشد اما در آیه شریفه از آن تعبیر به خیر نموده است که به روشنی دلالت بر عدم وجوب ازدواج می‌نماید.

### ۳-۲. دلیل دوم: توجه به مصالح اجتماعی

توسعه روابط اجتماعی و تاثیر گذاری و تاثیر پذیری آن، نسبت به رفتارهای فردی از ویژگی‌های برجسته دوران معاصر است. روابط فرد و جامعه به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که رفتارهای فردی در بازه زمانی بسیار کوتاه، بازتاب‌های اجتماعی قابل توجهی دارند چنانکه مناسبات اجتماعی در رفتارهای فردی، نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌نمایند. از این رو، رفتار فردی صحیح یا غلط، می‌تواند زندگی میلیون‌ها انسان را تحت تاثیر مثبت یا منفی قرار دهد. ازدواج نیز علی‌رغم اینکه یک قرارداد اجتماعی است که بین دو نفر منعقد می‌گردد، لیکن حوزه نفوذ و تاثیر آن و روابطی که بین افراد مختلف ایجاد می‌نماید فراتر از دو طرف عقد می‌باشد و لذا نهاد ازدواج بویژه در نوع عقد دائم، نقش قابل توجهی در تنظیم روابط اجتماعی و رشد و تعالی جامعه و احیانا تنزل و انحطاط جامعه ایفا می‌نماید. ازدواج به هنگام و با رعایت شرایط، زمینه رشد و تعالی اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی جامعه را فراهم می‌کند؛ چنانکه اگر ناموفق باشد منجر به اختلاف، طلاق، عدم تربیت صحیح فرزندان و... می‌گردد و زمینه مشکلات اخلاقی و فرهنگی زیادی را برای افراد مرتبط با طلاق و پیکره اجتماع فراهم می‌کند.

با توجه به اینکه شیوه متعارف ازدواج در جامعه ما ازدواج دائم می‌باشد و از طرفی، اطلاق فتوا به وجوب نکاح بر کسی که بخاطر نداشتن همسر، خوف وقوع در گناه را دارد یا به گناه می‌افتد، شامل دختران و پسران تازه بالغ نیز می‌شود، از فتوای مذکور چنین برداشت می‌شود که حتی پسر نوجوانی که در سن مثلاً سیزده سالگی به بلوغ رسیده و به طور طبیعی احتمال و ترس از ارتکاب معصیت، بخاطر نداشتن همسر را دارد واجب است ازدواج کند؛ یعنی تقریباً بر تمامی افرادی که تازه به سن بلوغ می‌رسند با توجه به اینکه خوف وقوع در معصیت را دارند ازدواج واجب است؛ بر اساس پژوهش‌های نوین، سن طبیعی بلوغ جنسی در پسران، ۱۲ سال است و بلوغ در چنین سنی طبیعی تلقی می‌شود (زکائی، اسکندی، میر معزی و سنگاری، ۱۴۰۲، ش، ۲۳)؛ علاوه بر اینکه امروزه با مساله بلوغ زودرس نیز مواجه هستیم. آیا نوجوان در چنین سنی شرایط تشکیل خانواده و پذیرش مسئولیت آن را دارد؟ آیا در چنین سنی که فرد درک درستی از

زندگی مشترک و تشکیل خانواده ندارد اما با توجه به شرایط امروز و تسهیل گناه و معصیت، تحت فشار جنسی قرار دارد، می‌توان گفت که یکی از تکالیف شرعی بر عهده او، اینست که ازدواج کند؟

با توجه به اینکه عقل یکی از منابع مهم احکام فقهی است (مظفر، ۱۴۲۶ق، ۴۷۳) لازم است مصالح و تبعات ازدواج در فرض مذکور با سنجه و میزان عقل با مراجعه با آمار، تحقیقات علمی و واقعیات میدانی مورد ارزیابی و بازخوانی قرار گیرند.

بر اساس آمار، شاخص نسبت طلاق به ازدواج که در سال ۱۳۸۵، ۱۲ واقعه طلاق به ازای یکصد واقعه ازدواج بوده است در سال ۱۳۸۹ به ۳۳ واقعه طلاق و در دو ماه ابتدایی سال ۱۴۰۲ به بیش از ۴۷ واقعه طلاق افزایش پیدا کرده است (کرد زنگنه و قاسمی اردهایی، ۱۴۰۲ش، ۳۷۱). این آمار از این جهت قابل توجه است که بسیاری از تحقیقات از وجود رابطه بین طلاق با اعتیاد، بزهکاری، خودکشی، روان پریشی و... حکایت می‌کند (کلانتری، روشن فکر و جواهری، ۱۳۹۰ش، ۱۱۲). در این میان فرزندان طلاق و زنان مطلقه آسیب بیشتری دیده و عدم توانایی اقتصادی زنان مطلقه برای تامین نیازهای مالی خود و فرزندان و مواجه شدن این قشر از جامعه با محرومیت اقتصادی شدید، به لحاظ روانی منجر به احساس افسردگی و از نظر فیزیولوژی باعث افزایش استفاده از داروهای آرامبخش و به خطر افتادن سلامتی آنها می‌شود (کرد زنگنه و قاسمی اردهایی، ۱۴۰۲ش، ۳۶۹).

با توجه به بلوغ زودرس، عدم درک درست از زندگی مشترک و عدم مسئولیت پذیری که امروزه شاهد آن در نوجوانان هستیم، ازدواج در سنین نوجوانی یا در سنی که فرد، به لحاظ شخصیتی و مسئولیت‌پذیری آمادگی ازدواج را ندارد، خصوصاً وقتی به عنوان یک وظیفه شرعی مطرح شود علاوه بر افزایش فزاینده این آسیب‌ها، باعث بازتاب تصویری غیرمنطقی از فقه می‌گردد. فقه شیعه در مقایسه با سایر مذاهب فقهی مفتخر به پویایی، روزآمدی و توجه به اقتضائات زمان و مکان می‌باشد و از این رو یکی از شرایط مهم مرجع تقلید حیات و زنده بودن در زمان مکلف شدن مقلد می‌باشد و تقلید ابتدائی از میت جایز نیست (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱/۱۷؛ خمینی، ۱۴۳۴ق، ۱/۹). تراش ارزشمند و غنی فقهی امامیه، حاکی از توجه شایسته فقیهان شیعی به شرایط و تغییرات زمان و مکان و تاثیر آنها در شناخت موضوع و استنباط حکم شرعی می‌باشد. لذا بایسته و شایسته است که در مقام افتاء لوازم اجتماعی و تبعات و مفاسد مترتب بر اجرای فتوا مورد تامل قرار گیرند.

با توجه به اینکه شرایط جوامع امروزی نسبت به ادوار پیشین، تفاوت زیادی دارد، نمی‌توان شرایط امروز را با دوران سابق مقایسه نمود. ممکن در آن زمان‌ها، علاوه بر اینکه به‌طور عمومی زمینه عفت و رعایت تقوی در جامعه فراهم بوده است، انسان‌ها تقریباً از سن بلوغ توانایی و قدرت تشکیل خانواده را داشته و مثلاً یک جوان پانزده ساله می‌توانسته مسئولیت زندگی مشترک را به عهده گیرد و زندگی مشترک خود را آغاز نماید. در نتیجه، وجوب ازدواج بر کسی که بخاطر نداشتن همسر ترس از ارتکاب حرام دارد که از زمان علامه حلی به فقه ما وارد شده، در زمان خودش فتوایی موجه و مطابق با شرایط عصر خود بوده است لیکن استمرار آن در زمان حاضر نیازمند بازاندیشی و توجه به اقتضائات روز و توجه دادن مقلدین به سایر شرایط می‌باشد.

نتیجه این بخش آنکه سه دلیل برای اثبات عدم وجوب ازدواج، قابل طرح است که هر چند مناقشه در آنها امکان داشته باشد اما نکته‌ای که توجه به آن لازم است اینست که در بخش اول مقاله، دلایل وجوب ازدواج مورد مناقشه قرار گرفت و در این فرض که دلیلی بر وجوب ازدواج نداشته باشیم، وجوب ازدواج ثابت نخواهد بود و لازم نیست که حتما دلیلی بر عدم وجوب ازدواج اقامه شود؛ از این رو، اشکال در دلایلی که در این بخش اقامه شد نمی‌تواند خللی به نتیجه وارد نماید و مناسب است که در ادامه پژوهش به ادله فقهاتی پردازیم و به تعبیر دیگر این مساله را با توجه به اصول عملیه مورد بررسی قرار دهیم.

#### ۴. اصول عملیه

در بخش اول از این پژوهش ادله نظریه وجوب ازدواج در صورت ارتکاب یا ترس از ارتکاب حرام مورد مناقشه قرار گرفت و به دلیلی که حاکی از وجوب ازدواج باشد، دست نیافتیم و همچنین دو دلیل بر عدم وجوب مطرح شد که با اغماض از آنها، با توجه به اینکه دلیلی بر وجوب ازدواج نداریم نوبت به ادله فقهاتی و اصول عملیه می‌رسد. شک در وجوب ازدواج، از موارد شبهه حکمیه وجوبیه است؛ حاکمیت اصل برائت یا اصل احتیاط هر چند در مورد شبهات تحریمیه محل نزاع جدی میان اخباریون و اصولیون می‌باشد (انصاری، ۱۴۲۴ق، ۲/۲۰) اما شبهات وجوبیه طبق نظر مشهور اصولیون و اخباریون مجرای برائت هستند (انصاری، ۱۴۲۴ق، ۲/۱۴۲) و همانطور که در مباحث اصولی بصورت مفصل تبیین و اثبات شده است ادله احتیاط از جمله قاعده وجوب دفع ضرر محتمل نمی‌توانند با ادله برائت تعارض نمایند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ۳۴۳)؛ لذا حتی اگر دو دلیل مطرح شده برای اثبات نظریه عدم وجوب، مورد خدشه و نقد، قرار گیرد با توجه به فقدان نص، لازم است به اصل برائت تمسک نموده و وجوب مشکوک را نفی نمود.

#### ۵. نتیجه گیری

ادله‌ای که برای اثبات وجوب نکاح در صورت ارتکاب گناه یا ترس از ارتکاب گناه بخاطر نداشتن همسر، مطرح شده‌اند، قابل مناقشه هستند و دلیلی بر وجوب ازدواج به صرف ترس از ارتکاب معصیت یافت نشد. علاوه بر اینکه با تکیه بر برخی از آیات قرآن و همچنین بررسی مفاسد و تبعات ازدواج بدون داشتن شرایطی از قبیل مسئولیت پذیری، بویژه در سنین ابتدائی بلوغ، می‌توان قرآن و دلیل عقل را از ادله عدم وجوب ازدواج بویژه ازدواج دائم قلمداد نمود. همچنین در صورتی که هیچ دلیل روشنی در این مساله وجود نداشته باشد و نوبت به اجرای اصول عملیه برسد، اصل برائت از وجوب مشکوک پیاده خواهد شد. این مساله از منظر فقه فردی مورد توجه فقها قرار گرفته است. از این زاویه، ازدواج به عنوان رفتار فردی یک مکلف برای برون رفت از چالش‌های غریزه مد نظر قرار می‌گیرد؛ در حالی که ازدواج علاوه بر بُعد فردی، ذاتا نهادی اجتماعی و همراه با کارکردهای مهم اجتماعی است و لازم است به این عنوان، موضوع برای احکام شرعی قرار گیرد. لازم به ذکر است که احتمال دارد فقها نیز قائل به اطلاق این فتوا حتی در مورد تازه بالغین نباشند و مساله رو به وضوح آن واگذار نموده و مقید به داشتن سایر شرایط نکرده باشند لیکن چنین تعبیری می‌تواند موجب سوء برداشت گردند.

#### ۶. پیشنهادات

مباحث فقه خانواده از منظر فقه فردی مورد بررسی فقها قرار گرفته اند و به نظر می رسد واکاوی مباحث فقهی مخصوصا در مورد فقه خانواده از منظر فقه اجتماعی ضرورتی اجتناب ناپذیر باشد. بنابراین پیشنهاد مشخص این پژوهش، بازپژوهی سایر فروع و احکام فقه خانواده از منظر فقه اجتماعی است.

## منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۸ هـ.ش)، مترجم: مکارم شیرازی، ناصر، چ اول، قم: امیرالمومنین (ع).
- ۱. ابن حمزه، محمد بن علی (۱۴۰۸ق). *الوسيله الى نيل الفضيله*. قم: مکتبه ایه الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
- ۲. آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹ق). *کفایه الاصول*. قم: موسسه آل البيت عليهم السلام.
- ۳. اراکی، محمد علی (۱۴۱۴ق). *المسائل الواضحه*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۴. انصاری، مرتضی (۱۴۲۴ق). *فرائد الاصول*. قم: مجمع فکر اسلامی.
- ۵. بروجردی، سید حسین (۱۳۹۲ش). *توضیح المسائل (بروجردی)*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق). *هدایه الایمه الى احکام الائمة - منتخب المسائل*. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- ۷. حسینی سیستانی، سید علی (۱۳۹۳ش). *توضیح المسائل (سیستانی)*. قم: بی نا.
- ۸. حلی، فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷ش). *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*. قم: موسسه اسماعیلیان.
- ۹. خامنه ای، سید علی. *پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری*. (آخرین بازدید: ۱۴۰۳/۴/۳۰) (بازیابی از پرسش و پاسخ (ازدواج و زناشویی):  
`8%D9%A8%AF%D8%B8%D9%A8%https://www.leader.ir/fa/faq?faq_search=%D710s=&AF8%D9%A8%D4%B8%C+%D8DB9%85%+%D8A8%AC%D8%D9%A8%D9%A8%AC+%D`
- ۱۰. خمینی، سید روح الله (۱۳۹۲ش). *توضیح المسائل*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- ۱۱. خمینی، سید روح الله (۱۴۳۴ق). *تحریر الوسيله*. قم: موسسه نشر اسلامی.
- ۱۲. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). *توضیح المسائل (خوئی)*. قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- ۱۳. زکائی، زهرا، اسکندری، زهره، میر معزی، سید مسعود و سنگاری، ماندانا (۱۴۰۲). *بررسی فعالیت بدنی و وضعیت تغذیه در کودکان دارای بلوغ زودرس*. پژوهش در تغذیه ورزشی، ۲۱-۳۲.  
`2024,140185,1039/ren.10,22034doi:https://www.doi.org/`
- ۱۴. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق). *کتاب نکاح (زنجانی)*. قم: موسسه پژوهشی رای پرداز.
- ۱۵. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۳۸۸ش). *توضیح المسائل (شبیری)*. قم: سلسبیل.

۱۶. شیخ صدوق، ابن بابویه (۱۴۱۵ق). *المقنع*. قم: پیام امام هادی علیه السلام.
۱۷. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط*. تهران: مکتبه المرتضویه.
۱۸. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹ق). *العروة الوثقی فیما تعم به البلوی (المحشّی)*. قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۹. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
۲۱. عاملی، حسن بن زین الدین (بی تا). *معالم الدین و ملاذ المجتهدین*. قم: مؤسسه الفقه للطباعة والنشر.
۲۲. عاملی، شهید ثانی (۱۴۱۰ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة (المحشّی-کلاتر)*. قم: کتابفروشی داوری.
۲۳. عاملی، شهید ثانی (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۴. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). *قواعد الاحکام*. قم: موسسه النشر الاسلامی.
۲۵. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق). *ارشاد الازهان الى الاحکام الايمان*. قم: موسسه النشر الاسلامی.
۲۶. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق). *تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه*. قم: موسسه الامام الصادق علیه السلام.
۲۷. علوی گرگانی، سید محمد علی (۱۳۸۷ش). *توضیح المسائل (علوی)*. قم: دفتر حضرت آیت الله علوی گرگانی.
۲۸. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۶ق). *توضیح المسائل (فاضل)*. قم: امیر العلم.
۲۹. فاضل مقداد (۱۳۷۳ش). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. تهران: مرتضوی.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ق). *تفسیر القمی*. قم: دارالکتاب.
۳۱. کاظمی خراسانی، محمد علی (۱۴۲۴ق). *فوائد الاصول*. قم: موسسه نشر اسلامی.
۳۲. کاظمی، جواد بن سعد (بی تا). *مسالك الأفهام إلى آیات الاحکام*. مرتضوی.
۳۳. کرد زنگنه، جعفر و قاسمی اردهایی، علی (۱۴۰۲ شماره ۳۵ سال ۱۸). *پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه با تأکید بر تفاوت‌های اجتماعی - جمعیتی مرتبط با آن: مطالعه ای در شهر اهواز. نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۳۶۳-۳۹۲*.
۳۴. کلاتری، عبد الحسین، روشن فکر، پیام و جواهری، جلوه (۱۳۹۰). *مرور نظام مند تحقیقات انجام شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسیتی. زن در توسعه و سیاست، ۱۱۱-۱۳۱ دوره ۹ شماره ۳*.
۳۵. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرایع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*. قم: موسسه اسماعیلیان.
۳۶. محقق سبزواری، محمد باقر (۱۳۸۱ش). *کفایه الفقه*. قم: موسسه النشر الاسلامی.
۳۷. مظفر، محمد رضا (۱۴۲۶ق). *اصول الفقه*. قم: بوستان کتاب.
۳۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق). *المقنعه*. قم: موسسه النشر الاسلامی.
۳۹. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). *زبدہ البیان فی احکام القرآن*. تهران: المکتبه الجعفریه لاحیاء اثار الجعفریه.

۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق). کتاب النکاح (مکارم). قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۴۲. منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ه.ق). نهاییه الاصول. قم: نشر تفکر.
۴۳. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۰ش). توضیح المسائل (هاشمی شاهرودی). قم: بنیاد فقه و معارف اهل بیت علیهم السلام.

فایز ایمن  
دانشگاه